

ابونصر فراهی (n.bu.nasr-e.fa.ra.hi)، بدرالدین مسعود/ محمود

بن ابی بکر بن حسین بن جعفر فراهی سجزی، - ۶۴۰ق، ادیب، شاعر و لغت‌شناس ایرانی. از مردم روستای فره/ فراه، در میانه راه هرات و سیستان بود. گویند نایبنا از مادر بزاد. تاریخ تولد وی دانسته نیست و تنها این را می‌دانیم که وی در اوایل یورش مغول، در سیستان می‌زیست. در واژگان عربی و حدیث مهارت فراوان داشت و ظاهراً به زبان‌های هندی و ترکی نیز آشنا بوده است. ابونصر به دربار یمین‌الدوله بهرام‌شاه بن تاج‌الدین حرب، امیر سیستان (۶۱۲-۶۱۸ق) پیوستگی داشت. وی با سلاطین غور نیز رابطه نزدیکی داشته و از آن‌ها صله‌ها گرفته و نوازش بسیار یافته است. مؤلف روضة‌الصفاء وی را با معاصر و هم‌شهری‌اش، امام شرف‌الدین احمد فراهی، اشتباه گرفته و قطعه شعری از شرف‌الدین را که در مدح یمین‌الدوله بهرام‌شاه سروده شده، به وی نسبت داده است. بنا به نوشته دایرة‌المعارف آریانا، در نسخه‌ای خطی از سلسله‌الذهب، چند قطعه درگذشت بسیاری از مشاهیر قدما، از نویسنده‌های ناشناس آمده که تاریخ درگذشت ابونصر فراهی را ۶۳۴ق می‌داند. برخی منابع خاک‌جای وی را در دهکده رج از نواحی فراه دانسته‌اند. برجسته‌ترین اثر وی نصاب‌الصیاب* نام دارد. این کتاب، نخستین لغت‌نامه منظوم عربی به فارسی است که مدت‌ها در مدارس ایران، هندوستان و آسیای صغیر تدریس می‌شد. ابونصر، جامع‌الصغیر فی الفروع محمد بن حسن شیبانی (۱۳۵-۱۸۹ق) را با نام لمعة‌البدر در ۱۷ق به نظم درآورده که علاء‌الدین محمد بن عبدالرحمان خجندی، شرحی به نام ضوء‌اللمعة بر آن نوشته است. از وی رساله منظومی نیز به عربی در شرح پاره‌ای از مسائل فقه حنفی با نام شرح ذات‌العقدین به جا مانده است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه برلین نگه‌داری می‌شود.

منابع: احیاء‌الملوک، ۱۷، ۱۷۵؛ تاریخ ادبیات ایران، براون، ۱۷۶/۲؛

تاریخ ادبیات افغانستان، ۱۴۷؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۲۸۴/۳؛

تاریخ نظم و نثر در ایران، ۱۹۰؛ تاریخ مغول، ۵۱۶؛ حبیب‌السیر،

۶۲۸/۲؛ دایرة‌المعارف آریانا، ۶۶/۲-۶۷؛ دایرة‌المعارف بزرگ

اسلامی، ۳۲۰/۶-۳۲۱؛ روضة‌الصفاء، ۶۵۸/۴؛ ریحانة‌الادب،

۳۱۶/۳-۳۱۷؛ فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی، ۸۴-۱۰۳؛ فهرست

نسخه‌های خطی فارسی موزة بریتانیایی، ۵۰۴/۲؛ لسان‌الالباب،

۲۵۹/۱-۳۵۳؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۱۸۰/۶-۱۸۲؛

نصاب‌الصیاب، تصحیح حسن انوری؛ هفت‌الملم، ۳۰۱/۱.

دانشنامه